

بیانیه هیأت تحریریه مجله انکار در محکومیت تجاوز نظامی اسرائیل به ایران

«جنگ‌ها همواره با وعده‌رهای آغاز شدند و در پایان، جز ویرانی هیچ بر جای نگذاشتند.»

۱. این متن در هیاهوی توپ و بمب و پرواز جنگنده‌های بیگانه در آسمان کشورمان نوشته می‌شود؛ متنی سوگوار از خون‌های به ناحق ریخته‌شده هم‌وطنانمان. آنچه نباید رخ می‌داد، آنچه در زهدان‌اش جز ویرانی و نابودی نیست، حال دیگر رخ داده‌است. اسرائیل به کشور ما تجاوز نظامی کرده‌است. بیش از بیست سال تلاش مداوم ملت ایران برای دور کردن سایه جنگ از سر کشور، گویی نهایتاً شکست خورده‌است و ما درگیر جنگ شده‌ایم. در همه سالیان اخیر، تمام تلاش ما در «انکار» بر تقویت جامعه و نقد و نفی تمامی صور و اشکال گوناگون سلطه، یعنی هر آنچه حیات سیاسی و اجتماعی ما را تهدید می‌کند، متمرکز بوده‌است. اکنون اما بزرگ‌ترین و شاید هولناک‌ترین دشمن زندگی یعنی جنگ، این ناقوس مرگ و نابودی در برابرمان قد علم کرده‌است. در همین آغاز اعلام می‌داریم که ما تجاوز نظامی به خاک کشورمان را محکوم می‌کنیم و اگرچه کار چندانی از ما بر نمی‌آید اما تمام توان و نیروی‌مان را برای کمک به هموطنان‌مان پیش می‌گذاریم.

برخلاف بسیاری از روشنفکران و نظریه‌پردازان و فعالین سیاسی سال‌های اخیر، همانان که آتش کین‌توزی چنان به حقارت‌شان انداخته است که رهایی را از حمله نظامی و بمب و آتش و خشونت طلب می‌کنند، ما همواره بر این باور بوده و هستیم که درون جنگ هیچ فضیلت و هیچ رهایی و رستگاری جمعی‌ای یافت نمی‌شود. جنگ‌ها همواره با وعده‌رهای آغاز شدند و در پایان، جز ویرانی هیچ بر جای نگذاشتند. تاریخ به ما آموخته است که همواره درهم‌شکستن نظم سیاسی به واسطه حمله نظامی جز به بازتولید استبداد در قالب و شکل و لباسی دیگر منتج نمی‌شود. آنچه از دل جنگ بیرون می‌آید همواره سرکوب تمام عیار زندگی است. آشفتگی و ویرانی و بحران مادی که نتیجه بلافصل هر جنگ و حمله نظامی هستند، امکان تغییر یا خواست آزادی را نابود می‌کنند. جنگ، با اضطرار برآمده از نابودی زیرساخت‌های بنیادین زندگی، همواره واپس‌روی جامعه به اشکال اولیه یعنی نوعی زیست محدود و مستبدانه را ناگزیر می‌سازد.

مردم ایران به درازنای تاریخ، همواره برای بقا و حیات و زندگی، مبارزه کرده‌اند. شاید بی دلیل نباشد که در ایران معاصر نیز بسیار پیش از استقرار بیش‌تر نهادهای مدرن، سنت مبارزه سیاسی مدرن پدید آمد. مبارزه سیاسی، تلاش برای تغییر و شوق سرخوشانه ساختن جهانی دیگر همواره درون زمینی، در چارچوب جغرافیایی و در متن قواعد و قوانینی ممکن می‌شود. جنگ اما دشمن تمامی این‌هاست. جنگ لحظه تعلیق تمامی امکانات درون و بیرون ساختار برای تغییر و تحول و ساختن زندگی است. جنگ لحظه غلبه تمام عیار مرگ است بر زندگی. لحظه‌ای که اگر در برابرش نایستیم، تا سالیان سال، حیات جمعی‌مان را ویران خواهد ساخت.

۲. این که چه شد ما به این جا رسیدیم، این که هر کس و هر گروه چه میزان در بروز چنین بحرانی نقش داشته است، این که سرکوب مداوم تمامی تلاش های ملت ایران برای تحقق خواسته هایشان توسط حاکمیت در بروز چنین بحرانی تا چه میزان تأثیر داشته است، حتی این که به واسطه همین اضمحلال دایمی شخصیت ها، میانجی ها و نهادهای اجتماعی، ساختن نوعی همبستگی ملی در برابر جنگ نیز برای ما دشوار شده است و خلاصه این که بحث درباره سیر تاریخی انبوه عواملی که ما را به این نقطه رسانده اند، در این لحظه نه کمکی می کند و نه مطلوب است. حقیقت واقعی آن است که هارترین و وحشی ترین حکومت حال حاضر جهان، همان حکومتی که در کم تر از دو سال اخیر بیش از صد هزار کودک و زن و مرد را در فلسطین و لبنان و سوریه کشته است، همان رژیمی که رد هر جنایت اش را با جنایتی دیگر محو می کند، لبنان را می زند تا غزه فراموش شود، یمن را می زند تا بیروت فراموش شود، سوریه را می زند تا صنعا فراموش شود و تهران را می زند تا دمشق فراموش شود، همان نظامی که رفتار عملی اش، بارها و بارها نشان داده است که به هیچ قاعده و قانون بین المللی پایبند نیست، به کشور ما حمله کرده است. آن هم دقیقاً در زمانی که جمهوری اسلامی فعالانه مشغول مذاکره با آمریکا به منظور حل و فصل احتمالی مناقشه هسته ای بوده است.

به نظر می رسد همین چند روز ابتدایی حمله نظامی و نقاط اصابت موشک های دشمن و شهادت هموطنان مان کافی بود تا برای بسیاری آشکار شود که بر خلاف تبلیغات دروغین رسانه های اسرائیلی، آنچه در حقیقت بناست با این حمله نشانه رود، نه صرفاً صنعت هسته ای ایران و نه حتی حاکمیت، بلکه تضعیف بنیادین زیرساخت های حیاتی و به طور کلی امکان زندگی در جغرافیایی به نام ایران است. بی تردید در چنین شرایطی که دشمن تمامی زندگی ما را هدف گرفته است، باید برای بقای کشور و خود زندگی جنگید تا فردا هنوز امکان مبارزه برای بهبود زندگی فراهم باشد.

باید بدون هراس تمامی خلاقیت خود را برای بلند کردن صدای مان علیه تجاوز نظامی اسرائیل به کشورمان به کار اندازیم. نباید از جزئی ترین و خردترین امکان های اعتراض به این تجاوز بگذریم. در لحظه ای که میل به خود ویرانگری چنان عنان تمامی اپوزیسیون خارج از کشور و بسیاری از فعالین سیاسی داخل را در دست گرفته است که حاضرند به قیمت ویرانی تمام عیار ایران، حکومت شکست بخورد، بسیار حیاتی است که صدای حقیقی ضد جنگ ملت ایران به گوش جهانیان برسد. ضروری است که اعلام داریم ملت ایران سده هاست که از صغارت به در آمده است و برای تحقق خواسته هایش مداوم در برابر هر استعمار خارجی و استبداد داخلی جنگیده است و امروز نیز در برابر هر تهدید خارجی هنوز می تواند همبسته و متحد شود.

۳. اما در این لحظه چه می‌توان کرد؟ حقیقت تلخ آن است که در سال‌های اخیر، انبوهی از روندهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داخلی از سویی و تحریم و فشارهای خارجی از سوی دیگر، عاملیت ما مردم در رقم زدن سرنوشت‌مان را کم و کمتر کرده‌اند. با وجود این، امروز نمی‌توان با پیش‌کشیدن چنین عذر و بهانه‌هایی، ویران شدن تمامی امکانات حیاطمان را به نظاره بنشینیم. تنها آنانی از زمانه جنگ جان سالم به در می‌برند که درون یک همبستگی زندگی می‌کنند. اگر بمب‌های اسرائیلی در پی پراکندن ما هستند، راهکار مقابله با آن‌ها، تاکید بر همبستگی است. در سال‌های اخیر، هر آنچه تا پیش از این، نمادی از وحدت ملی بوده است، از یک مسابقه ورزشی گرفته تا تحریم‌های اقتصادی، به محل جدل‌ها و دوگانگی‌های سیاسی تبدیل شده‌اند، حال اما شاید بتوان امیدوار بود که خود وطن و ضرورت مقاومت برای ایران فراتر از این دوگانگی‌ها، زمینه نوعی وحدت و همبستگی را فراهم سازد.

باید دست به کار شد، هر کس به قدر توانش. از کوچک‌ترین و حداقلی‌ترین امکان‌ها نیز نباید گذشت. پیش از هر چیز باید مراقبت از اطرافیان، دوستان و خانواده را لحاظ کنیم، باید آن‌ها را از رسانه‌های شایعه‌پراکن که هدفشان جز فروپاشی روانی ایرانیان نیست، دور نگه داریم. فراتر از آن باید از هر مجرای برای محکوم کردن جنگ استفاده کنیم. باید هر چه بیشتر وجوه خائمان‌سوز جنگ را نشان دهیم. ما ملت ایران، هر چقدر هم که رنج دیده و سختی کشیده، امروز اگر نا امید شویم، فردا را از دست خواهیم داد. باید درون جمع دوباره نیرویی بسازیم و امیدوار باشیم، چرا که بی تردید در نهایت نیروی زندگی تمام لشکر مرگ خواهان را به زانو در خواهد آورد. دیری نخواهد پایید که تصویر غم انگیز خروج و آوارگی هموطنان‌مان از خانه‌های‌شان، به جشن جمعی بازگشت تبدیل شود. باشد که چنین شود.